

بسمه تعالی

پیشنهاد اجرایی برگزاری نمایشگاه ICT در افغانستان

مقدمه:

احتراماً همانگونه که استحضار دارید، فعالان اقتصادی ما در کشور افغانستان تاکنون نمایشگاههای فراوانی در شهرهای کابل و هرات برگزار کرده‌اند که تقریباً اکثر آنها محدود به شرکتهایی بوده است که از گذشته در افغانستان فعال می‌باشند و بنابراین اغلب شرکتهای غیرفعال در آن کشور، نتیجه دلخواه خودشان را نگرفته‌اند. این نمایشگاه‌ها عمدتاً از طرف ارگانهای مختلف و غالباً در شهر کابل (به استثناء دو یا سه مورد در شهر هرات) برگزار شده است و بنابراین تجار و مسئولین کشور افغانستان اکثراً با فرهنگ، نوع تولیدات، امکانات و توانمندیهای شرکتهای دولتی و خصوصی ایران آشنایی کامل دارند و این اطلاع و شناخت اغلب منجر به حضور تجار افغانی در ایران و خرید مستقیم از تولید کنندگان کشورمان شده است که به جرات میتوان گفت که بیش از ۸۰٪ صادرات محصولات کشورمان به افغانستان، توسط تجار افغانی انجام می‌شود. این موضوع به نحوی است که ۹۹٪ غرفه داران مرزی کشورمان که هم اکنون در دو مرز میل ۷۸ و میلک زابل واقع هستند صرفاً تسهیل کننده و ارائه کننده مجوزات قانونی برای آنها می‌باشد و تجار افغانی فقط از پروانه و کارت آنان برای خروج و صدور کالا به افغانستان استفاده می‌نمایند. از سوی دیگر حضور مستمر و دائمی تجار و تولیدکنندگان کشورمان در افغانستان که دارای دفاتر فعال در شهرهایی نظیر هرات و کابل باشند حداکثر ۲۰ الی ۳۰ شرکت بیشتر نمی‌باشد. امروزه خصوصاً در دو سه ماه اخیر به علت نوسانات ارزی و سهل بودن جابجایی انتقالی ارز توسط صرافان شهر هرات، حجم صادرات کالاهای ایرانی به افغانستان افزایش فراوانی یافته است به حدی که هم اکنون طولانی بودن صف انتظار کامیونهای ایرانی در مرز دوغارون (تایباد) به یک معضل سیاسی امنیتی تبدیل شده است.

مع الوصف با اینکه در پس پرده این صادرات، اصل تبدیل ریال به دلار نهفته است لیکن برای جذب سلیق و آشنایی مصرف کنندگان کشور افغانستان با تولیدات و توانمندیهای کشورمان، فرصتی بسیار عالی و مغتنمی وجود دارد که باید به نحو مطلوب از آن استقبال کرده و بهره جست. طبیعتاً ادامه روند صادرات کالای ایرانی به افغانستان نه تنها کمک فراوانی به بالا بردن تجارب بین المللی تولیدکنندگان و شرکتهای ایرانی خواهد داشت بلکه زمینه مشارکت بخش خصوصی در گردش نقدینگی ارزی، تبادلات فنی و... هرچند به میزان اندک را با خود به همراه می آورد بگونه ای که می توان بازار افغانستان را به عنوان سکوی پرش استراتژیک برای حضور قدرتمند ایران در بازارهای بین المللی و آموزش شیوه های رقابت با شرکتهای خارجی قلمداد نمود.

مزیت های بازار افغانستان:

قوانین تجاری بازار افغانستان در زمان تصرف این کشور توسط دولت انگلستان بر مبنای بازار آزاد و حمایت فراوان از بخش خصوصی نوشته شده است و کلیه رژیم هایی که در طی این سالها در افغانستان حکومت کرده اند اعم از کمونیستهای طرفدار شوروی، طالبان و یا مجاهدین همواره به این قوانین تجاری احترام گذاشته اند و البته مهمترین اصول و موضوعی که آنان را مجبور به پذیرش و احترام به قوانین بازار آزاد نموده است، توجه به این نکته است که دولتهای مرکزی افغانستان، هیچگاه منبع و ممر درآمدی خاص مانند نفت را نداشته و ندارند و بنابراین ناچار هستند که درآمدهای خود را بر مبنای اخذ مالیات از مردم و بخش خصوصی بنا گذارند که خود لازمه تقویت و رشد بخش خصوصی آنها می باشد. طبیعتاً هر چقدر این بخش بزرگتر و فربه تر شود و درآمد آنان بالاتر برود مالیات بیشتری به دولت خواهند پرداخت. بنابراین تجار و تولیدکنندگان افغانی همیشه از جایگاه ویژه ای در سطح کلان سیاسی کشورشان برخوردار بوده بگونه ای که حتی رئیس جمهور خود را نیز بی نیاز از توجه به آنان نمی داند.

نگارنده خود تجربه‌ای دارد که ذکر آن خالی از لطف نیست. در زمان ریاست جمهوری جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد، در مقطعی از زمان ایشان به ناگاه و یک شبه تصمیم گرفتند که ورود و خروج و ترانزیت کلیه تریلی‌های حامل سوخت دارای پلمپ قانونی از عراق به افغانستان را ممنوع نماید به نحوی که تعداد زیادی تریلی‌های حامل سوخت در گمرکات ورودی و خروجی ایران و بعضاً در بین راه‌های کشور توقیف شدند. این موضوع به معضل بزرگی تبدیل شد و نزدیک به شش ماه به طول انجامید. برای رفع این معضل تعدادی از تجار افغانی آشنا با اینجانب با آقای کرزی رئیس جمهور افغانستان تماس گرفته و آقای کرزی بلافاصله آنان را پشت خط نگه داشت و با آقای احمدی‌نژاد تماس گرفت و از ایشان قول گرفت که موضوع را رسیدگی کنند و بلافاصله کل ماجرای مذاکرات خویش را به اطلاع تجار افغانی رساند. البته موضوع توسط دولت آقای احمدی‌نژاد، به فوریت حل و فصل نشد که در ادامه تجار افغانی تهدید کردند که از ایران کالا وارد نخواهند نمود و مرز دوغارون (تایباد) را به روی کالاهای ایرانی بستند. پس از دو روز از اعتصاب و عدم خرید کالا ایرانی، دولت ما مجبور شد کلیه تریلی‌های توقیفی را آزاد و تجارت و ترانزیت سوخت به افغانستان را آزاد نماید و البته این قصه پرغصه بخش خصوصی ایرانی است که باید تجار سایر کشورها به کمکش بشتابند.

بنابراین ما در افغانستان با تجاری بسیار حرفه‌ای و آگاه به حقوق بین الملل و توانمند مواجه هستیم که از جایگاه واقعی بخش خصوصی برخوردارند و درک جایگاه آنان برای شرکتها و تجار ایرانی به صورت طبیعی دشوار است. لذا اگر بتوان در افغانستان حضوری مستمر ولو اینکه با پرداخت هزینه و ضررهای اولیه داشته باشیم، مسلماً در آینده نزدیک با کسب تجربیات خوب و حضور موفق در بازارهای واقعی تجارت جهانی، کمک فراوانی به جهش اقتصادی ایران و فعال‌تر شدن بخش خصوصی کشور خواهد شد و البته افغانستان نیز این پتانسیل را دارد که سکوی پرشی برای ورود ایران به بازارهای اروپا و امریکا باشد.

سهولت مبادلات ارزی:

پس از حضور آمریکا در افغانستان و شکست طالبان بانکهای فراوانی در آن کشور افتتاح و فعال شده‌اند از جمله "آرین بانک ایران" که با شراکت بانکهای ملی، صادرات و... تاسیس شده و بیشتر در شهر هرات فعال است ولیکن اکثریت حواله‌های ارزی، توسط صرافان افغانی به اقصاء نقاط جهان صورت می‌گیرد و این انتقال آنقدر سهل و سریع است که دغدغه‌های تجار افغان را حل و به آنان آرامش کامل داده است. بدیهی است که این موضوع برای تجار ایرانی نیز بسیار حائز اهمیت است که در عرض چند دقیقه بتوانند وجه ارسالی خود را در اروپا و آمریکا به طرفهای تجاری خود تحویل و یا از آنان دریافت نمایند.

بازار هدف:

افغانستان اساساً یک کشور کشاورزی است که از صادرات محصولات کشاورزی خود درآمد کسب میکند. این کشور کارخانجات تولیدی چندانی ندارد و علیرغم وجود معادن غنی و بسیار فراوانی که دارد، بهره‌برداری بسیار اندکی از آنها می‌شود آنها با تکنولوژی قدیمی و هزینه بالا. در حال حاضر، ذغال سنگ، تالک و برخی انواع سنگهای قیمتی افغانستان شامل زمره، یاقوت، لاجورد و... عمدتاً به کشور پاکستان صادر میگردد. شرکای تجاری سنتی حاضر در بازار افغانستان به ترتیب عبارتند از: چین، هندوستان، پاکستان و در رده ۷ الی ۸ نیز ایران قرار دارد. در سالیان قبل، رقابت بسیار شدیدی بین هندوستان و پاکستان در مورد بازار افغانستان وجود داشت بنحوی که این تلاش و رقابت حتی در تقسیم‌بندی وزرا هم دیده می‌شد. طبیعتاً پاکستان بعلت نزدیکی فرهنگی، سهم بیشتری از بازار افغانستان را در دست داشت و آنقدر این سلطه تاثیرگذار و مشهود بود که در شهرهای کابل، جلال‌آباد، قندهار و شهرهای حاشیه مرزی پاکستان (از جنوب شرقی تا جنوبی غربی) کلیه خرید و فروش‌ها در بازار، با کالدار وجه رایج پاکستان انجام می‌پذیرفت و پول افغانی در بازار جایگاه چندانی نداشت.

این موضوع همچنان ادامه داشت تا اینکه در اوایل دوره ریاست جمهوری آقای کرزی، به ناگاه ارز پاکستان تضعیف شد و آقای کرزی از این فرصت استفاده نمود و توانست کم‌کم پول افغانی را جایگزین کالدار نماید. هر چند که هنوز هم سایه کالدار بر بازار افغانستان مشهود است لیکن آقای کرزی اسکناس‌های جدید افغانی با نرخ برابری هر ۴۵ افغانی معادل یک دلار را وارد بازار افغانستان نمود و تقریباً در تمامی مدت ۸ سال ریاست آقای کرزی دارای ثبات نرخ بوده و نهایتاً به نرخ ۵۰ افغانی معادل یک دلار در پایان دوره ریاست جمهوری ایشان رسید.

پس از شروع ریاست جمهوری آقای اشرف غنی، روند تضعیف پول افغانی مجدداً شروع و هم‌اکنون نرخ تسعیر افغانی به دلار معادل ۷۰ افغانی می‌باشد. این پایین بودن نرخ برابری هر افغانی در برابر دلار، موجب کند شدن صادرات ایران و سایر کشورها به افغانستان می‌شود و بر عکس صادرات کالا از افغانستان را توجیه پذیر می‌نماید. لیکن علیرغم تضعیف ریال و شرایط جدید کشور، هنوز صادرات کالای ایران به افغانستان دارای توجیه اقتصادی است خصوصاً آنکه موضوع حواله ارزی به اقصاء نقاط دنیا برای بخش خصوصی کشور حائز اهمیت است و بازار ارز و صرافان هرات نیز تاثیر فراوانی در ارزش نرخ دلار در ایران دارند.

لازم به ذکر است که بازار افغانستان به مانند ایران از رکود بی‌سابقه‌ای رنج می‌برد بنحوی که نرخ زمین و کالا روز به روز در آنجا ارزانتر شده و این در حالی است که در اوایل ریاست جمهوری آقای کرزی نرخ زمین از صبح تا بعد ظهر فرق میکرد و رونق فراوان داشت ولی هم‌اکنون خرید و فروشی صورت نمی‌گیرد و روز به روز قیمت زمین ارزانتر می‌شود. از طرفی هم‌اکنون در شهر هرات، در بحث مبادلات کالا، ریال ایران نقش عمده و تاثیرگذاری در بازار دارد و در استانهای مرزی همجوار ایران شامل: فراه، هیلمند و بعضاً قندهار، کالاها کلاً به ریال و تومان خرید و فروش می‌شوند.

تنوع قومیت و فرهنگ:

کشور افغانستان از تنوع فرهنگی فراوانی برخوردار است و این تنوع فرهنگی منجر به تبعیضات فراوانی شده است که تا کنون ادامه دارد. کشور افغانستان پس از خروج سرداران پشتون در زمان نادر شاه ایران تشکیل گردید و پایتخت حکومت ابتدا در قندهار و سپس در جلال‌آباد قرار گرفت و نهایتاً به کابل انتقال یافت و پشتون زبانان که کلاً خودشان را افغان اصیل می‌نامند، عمدتاً در شهرهای قندهار، جلال‌آباد، کابل و حاشیه مرزی پاکستان اکثریت دارند. تاجیکها و یا فارسی زبانان در غرب، نواحی مرکزی کشور، شمال شرقی بامیان و بدخشان قرار داشته و ازبکها و ترکمنها در نواحی شمالی، مزار شریف و نوار مرزی همجوار با ازبکستان و ترکمنستان ساکن هستند. در قدیم الایام هر کسی که افغان و یا پشتون زبان نبودند را تاجیک می‌نامیدند که شامل فارسی زبانان، ترکمنها و ازبکها می‌شد. تسلط پشتونها بر تمامی پستها و مناصب کلیدی کشور مشهود بود و تاکنون شاهان و روسای جمهور افغانستان عمدتاً پشتون زبان و یا افغان بوده‌اند. ولی طی ۱۵ ساله اخیر، زبان فارسی رشد فراوانی در آن کشور کرده است و زبان پشتون روز به روز ضعیفتر شده است بنحوی که پشتون زبانها هم به زبان فارسی و یا دری افغانی صحبت می‌کنند که این خود یکی از علت‌های پنهان و موجبات جنگهای داخلی است چراکه طالبان جملگی پشتون زبانند و در استانهای همجوار پاکستان و قندهار و استانهای همجوار ایران نظیر هلمن و فراه نقش کلیدی دارند. همزمان شیعیانی که زمانی از آنان در کابل به عنوان جولی کش یاد می‌کردند و بعلت فقر فراوان بجای اسب، به گاری بسته می‌شدند و قشر بسیار ضعیفی در کشور بودند، اکنون از نظر اقتصادی و فرهنگی و حضور در مناصب دولتی بسیار رشد کرده‌اند بنحوی که در حال حاضر نزدیک به ۷۰ نماینده در پارلمان افغانستان دارند و می‌توان گفت که تقریباً جایگاه مناسب خودشان را بدست آورده‌اند.

هم اکنون اکثر برنامه‌های رادیو و تلویزیون افغانستان، برخلاف سنوات گذشته به زبان فارسی دری پخش می‌شود و تقریباً اکثر مجریان، خبرنگاران و افراد مطرح در شبکه‌های اجتماعی و روشنفکری آنها، شیعه و فارسی زبان می‌باشند که اغلب پدران آنان به ایران مهاجرت کرده و سپس به افغانستان باز گشته‌اند. همچنین قشر جوانانی که متولد ایران هستند و دوره نوجوانی و تحصیل خود را در ایران گذرانده‌اند.

مهاجرت به سایر کشورها:

در سالیان اخیر مهاجرت افغانه به کشورهای ایران، پاکستان، اروپا و آمریکا منجر به رشد چشمگیر آنان شده است و اغلب آنان در این کشورها در امور مختلف فنی، کشاورزی و غیره تجارب فراوانی کسب کرده‌اند و در بازگشت به کشورشان توانسته‌اند به سرعت رشد کنند. همچنین غریب به اتفاق افغانه دارای یک یا چند نفر از خانواده هایشان در خارج از کشور هستند و بصورت طبیعی تماسها و ارتباطات آنان، منجر به تبادل تجربیات و انتقال تکنولوژی و رشد فرهنگی اجتماعی و اقتصادی این افراد شده است. پس از حضور آمریکا و سقوط طالبان رشد اقتصادی افغانستان با ضریب بالایی شروع و ادامه داشت چراکه هیچ زیرساختی وجود نداشت و لازم نبود تکنولوژی و یا صنعت موجود را ارتقاء دهند. بنابراین بسیاری از تکنولوژیهای جدید و نو را مستقیماً وارد و مورد استفاده قرار دادند. بجای کابل و سیم مسی در توسعه خطوط تلفن، از موبایل استفاده شد به نحوی که بعضاً هر افغانی چند سیم کارت مجزا داشت و اپراتورهای مهم از قبیل MTN و افغان بی سیم وابسته به آمریکا و روشن وابسته به آقا خان محلاتی سریعاً در افغانستان رشد کردند. همچنین مجوز تاسیس ۵۰ شبکه تلویزیون خصوصی و چندین رادیو صادر شد و در این بخش نیز شرکتهای خصوصی با فعالیت و رقابت به حدی رشد کرده‌اند که حتی در ایران طرفداران فراوانی دارند. خصوصاً تلویزیون طلوع وابسته به آقای خان محلاتی در مراکز استانهای همجوار مرزی و توسط اغلب افغانه ساکن ایران در سایر کشورها جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ریاست جمهور اشرف غنی :

اشرف غنی اصالتاً پشتون بوده و تحصیل کرده آمریکا است که سابقه کار در بانک جهانی را دارد و در کابینه آقای کرزی وزیر مالیه افغانستان شد. در زمان وزارت ایشان در ملاقاتی که اینجانب باتفاق جمعی از تجار ایرانی و ریاست وقت اتاق بازرگانی ایران به سرپرستی آقای دکتر صفایی فراهانی از وزارت اقتصاد و دارایی داشتیم آقای غنی در بدو ورود و شروع جلسه، اقدام به موضع گیری علیه ایران نمود که جو جلسه را تحت تاثیر قرارداد که البته که آقای دکتر صفایی فراهانی جواب ایشان را دادند. آقای اشرف غنی در انتخابات پر مسئله افغانستان، در حالیکه در دور اول نفر دوم شده بود و آقای عبدالله عبدالله تاجیک رای کافی را داشت، با فشار بالای سیاسی در دور دوم انتخابات رای تقریباً مساوی عبدالله عبدالله آوردند و این مسئله منجر به اعتراضات شدید مردم و امر به تقلب در انتخابات شد که نهایتاً با دخالت امریکا قرار شد که در یک همکاری مشترک به نام دولت دفاع ملی هر دو آقایان اداره امور افغانستان را بعهده بگیرند بگونه‌ای که اشرف غنی ریاست جمهور باشد و آقای عبدالله معاون نخست وزیر اجرایی. آقای اشرف غنی بر خلاف سلف قبلی خود آقای کرزی که اولین سفر خارجی خود پس از ریاست جمهوری را از ایران شروع کرد ابتدا به عربستان سفر نمود و سپس به پاکستان و ترکیه و در نهایت به ایران آمدند که با برخورد بسیار سرد مسئولین ایرانی مواجه شدند. وی معتقد است که ۳٪ درصد از GDP ایران مربوط به عملکرد و کارکرد گارگران افغانی در ایران است و بر این مسئله تاکید فراوان دارد و لذا از زمان حضور ایشان بر مسند قدرت، روابط ایران و افغانستان بسیار سرد شده و ایران تقریباً افغانستان و حکومت آقای شریف غنی را طرد نموده است. نامبرده نزدیکی فراوانی به پاکستان دارد و حل مسئله طالبان را اولویت اولیه خود قرار داده است و بر این اساس امتیازات فراوانی نیز به پاکستان و طالبان اعطا نموده است. ولی این سیاست بکلی شکست خورد و با نفوذ گسترده داعش و طالبان در افغانستان، ناامنی بسیار زیادی حادث شد بنحوی که کابل نیز

به جمع شهرهای حوزه عملیاتی آنان اضافه گردیده است. امروزه کابل به یکی از شهرهای ناامن افغانستان تبدیل شده است که هر از چند گاهی مورد هجوم طالبان و داعش قرار می گیرد و مردم کابل خصوصاً شیعیان تلفات و کشته های فراوانی داده اند. اغلب خبرنگاران، روزنامه نگاران، کارمندان تلویزیونهای خصوصی (خصوصاً طلوع) اهداف اصلی این حملات بوده اند.

دانشگاههای افغانستان:

از نظر تاریخی، دانشگاه کابل همزمان با دانشگاه تهران تاسیس شده است و از جذب زیادی برخوردار است. پس از ریاست جمهوری آقای کرزی دانشگاههای خصوصی فراوانی تحت نظر اغلب کشورها در افغانستان راه اندازی شده است. شدت علاقه مندی به تحصیلات آکادمیک و یادگیری زبان انگلیسی در کل افغانستان بسیار زیاد و گسترده شده است. اغلب افغانه پس از بازگشت از کشورهای دیگر، علاقه فراوانی به آموزشگاههای خصوصی دارند و تب آموزش در این کشور همچنان داغ است. نام تعداد زیادی از دانشگاههای خارجی در سطح شهر و یا در بیلبوردهای تبلیغاتی مشاهده می شود که جملگی خصوصی هستند و تحت لیسانس گواهی صادر می نمایند.

دانشگاه آزاد:

دانشگاه آزاد اسلامی ایران نیز شعبه ای در شهر کابل افتتاح نموده است که در رشته های مدیریت بازرگانی علوم سیاسی، حقوق، روابط بین الملل، مهندسی محیط زیست و... دانشجو می پذیرند و موفقیت های فراوانی داشته است بنحوی که تعداد زیادی از دانشجویان این واحد را مسئولین افغانی تشکیل می دهند.

همچنین رقابت بسیار شدید و نزدیکی در کابل و هرات بین مدارس ابتدائی متوسطه ایرانی و یا با سبک ایرانی و ترکیه‌ای که وابسته به فتح الله گولن رقیبت آقای اردوغان می‌باشد وجود دارد که البته رتبه اول مربوط به ترکیه است و سپس ایران. شهریه این مدارس به مبلغی در حدود ۱۰۰۰۰ دلار نیز می‌رسد.

سفیر ایران آقای بهرامی:

آقای بهرامی که برای دومین دوره چهار ساله سفیر ایران در افغانستان می‌باشد، فردی بسیار حاذق و روشن است که تجربه یک دوره سفارت در کابل و سپس ماموریت در ایران و مجدداً سفارت افغانستان، از ایشان فردی کاملاً مسلط به اوضاع و دلسوز برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، علمی و اجتماعی کشورمان در افغانستان ساخته است بگونه‌ای که می‌توان روی مشورت و کمک ایشان حساب ویژه‌ای باز کرد.

NGOها و سمن‌ها:

همزمان با سقوط طالبان و سیل کمک‌های متعدد مالی آمریکا، اروپا، ایران و... ، NGOها و سمن‌های فراوانی بصورت قارچ‌گونه در صحنه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی آنجا ظهور کردند و به ثبت رسیدند و رشد فراوانی داشتند و اکثر کمک‌های خارجی را جذب و مجدداً به خارج افغانستان برگرداندند. هجوم افغانه ساکن اروپا و آمریکا همراه با شراکت NGOهای خارجی باعث شد که روند جذب منابع مالی، با فساد گسترده و فراوان همراه شود و شرایطی که در این مدت حاکم شد، صرفاً منجر به ثروت اندوزی تحت لوای محرومین افغانستان بود. رونق و رشد اقتصادی سالهای اولیه صرفاً به خاطر جابجایی وجوه ارسالی کشورهای خارجی بود که دست به دست می‌گشت و همگانی شدن فساد اقتصادی، ضربات فراوانی به اقتصاد افغانستان وارد کرد و منجر به تقلیل کمک‌های خارجی و رکود اقتصادی آنها گردید که روز به روز هم در حال افزایش است.

در عین حال، در حوزه ICT حضور کشورها و کمپانیهای اروپایی و آمریکایی و یا افغانه آمریکایی تبار و پاکستانیها بر رونق این بازار افزود و "کنسرسیوم ایرانی ایرینا بوم" نیز با اجرای سه طرح و امضاء چند طرح دیگر به یکی از برندهای مطرح و معتبر در بازار ICT افغانستان تبدیل شد که متأسفانه با توجه به عدم درایت سفیر وقت ایران، اغلب این پروژهها ادامه پیدا نکرد که از همه مهم‌تر، داستان پر غصه راه‌آهن خواف به هرات است. مع‌الوصف رقبای اصلی ما در حوزه ICT کشور افغانستان، ابتدا پاکستانیها و سپس هندیها هستند که با قیمت‌های بسیار نازل، حاضر به کار در افغانستان می‌باشند و با توجه به عدم محدودیتهای سیاسی برای آنان که بطور ضمنی با حضور آمریکا وجود دارد، رقابت با آنان توان، پشتکار و مداومت مضاعف لازم دارد.

آنچه حائز اهمیت است اینکه خوشبختانه طبق بررسیهای میدانی صورت گرفته، اغلب نرم‌افزارهای مالی و سیستمهای حسابداری ایرانی، خصوصاً در شهر هرات جایگاه ویژه‌ای دارند و از طریق شرکتهای ICT آن شهر پتانسیل ورود به بازارهای داخلی افغانستان را نیز دارا می‌باشند. همچنین اغلب مهاجرین افغانی که از ایران به کشور خود بازگشته‌اند در حال حاضر در جامعه متخصص ICT آن کشور و همچنین در بازار تجاری ICT افغانستان دست بالا را دارند. هدف نهایی ما باید بخش خصوصی افغانستان باشد زیرا حضور آمریکاییها باعث می‌شود که اخذ پروژههای دولتی محال و بسیار دشوار باشد مگر آنکه شرکتهای ایرانی با شرکت‌های افغانی شراکت کنند و از طریق آنان به این پروژهها دست یابند. همچنین بحث نرم‌افزارهای کمک آموزشی از سطح ابتدایی تا سطوح دانشگاهی و همینطور اپ‌های ایرانی می‌توانند بازار بسیار خوبی در آن کشور داشته باشند.

در همین راستا طرح برگزاری نمایشگاه ICT ایران در شهر کابل افغانستان با محوریت B2B و مشارکت

بخش خصوصی ICT ایران به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد:

مقتضیات طرح:

۱- عمر نمایشگاه‌های غیر تخصصی و عمومی در افغانستان به پایان رسیده است و تنها نمایشگاه‌های تخصصی دارای مخاطب خاص می‌تواند در آن کشور تاثیرگذار باشند. اهداف اولیه چنین نمایشگاه‌هایی با توجه به وضعیت اقتصادی افغانستان (خصوصاً شهر کابل) باید ابتدا بر جذب بخش خصوصی افغانستان باشد، سپس NGO ها و سمن‌ها و در نهایت ارگانها و وزارتخانه‌های دولتی افغانستان که باید در یک محیط کاملاً شیک و با کلاس بدون حضور مردم عادی برگزار شود و مسلماً باید شرکتهایی در این نمایشگاه شرکت کنند که در صورت انعقاد قرارداد، بلافاصله توانایی و پتانسیل اجرا و پیگیری سریع مفاد قراردادها مورد تقاضای مشتریان را داشته باشند. لازم به ذکر است که بر اساس تجربیات قبلی، متأسفانه تجار و شرکتهای ایرانی به این خصوصیت مشهورند که به راحتی مذاکره نموده و قول و قرار می‌دهند ولی به محض اتمام نمایشگاه و بازگشت به ایران، فراموش می‌کنند که قراردادی دارند و به اصطلاح طرفهای خارجی فقط حرف می‌زنند. بنابراین باید نمایشگاه در یک محیط مناسب اجرا و کلیه مدعوین از قبل شناسایی و دعوت از آنان توسط مقامات مطرح هر دو کشور انجام پذیرد.

۲- اخذ مجوزات لازم از سازمانهای تجاری و هماهنگی با وزارت امور خارجه و استانداری‌های خراسان رضوی، خراسان جنوبی، سیستان بلوچستان و کرمان و در نهایت وزارت رفاه، کار و امور اجتماعی.

- ۳- حضور کارشناسان خبره در کابل جهت تهیه RFP برگزاری نمایشگاه و همچنین مذاکره اولیه جهت شناسایی شرکای افغانی و اخذ مجوزات لازم برای اجرای نمایشگاه در زمانهای تعیین شده با همکاری شرکای افغانی.
- ۴- شروع فرآیند ثبت نام از طریق وب سایت، شبکه های اجتماعی و... در ایران و افغانستان. لازم به ذکر است که نمایشگاه الگامپ می‌تواند بستر بسیار مناسبی باشد جهت اطلاع‌رسانی و تبلیغ اهداف نمایشگاه کابل، شناسایی و جذب شرکتهای حاضر در نمایشگاه و یا بازدیدکنندگان که بدین منظور پیشنهاد می‌شود غرفه‌ای بدین منظور در نظر گرفته شود.
- ۵- انجام تبلیغات در شبکه‌های اجتماعی، تلویزیونهای ایران و افغانستان، روزنامه و مجلات اقتصادی و ذیربط.
- ۶- شروع عملیات اجرایی اخذ ویزا و رزرو هتل و همچنین انجام امور غرفه سازی در کابل.
- ۷- برگزاری نشست‌های تخصصی و آموزشی در نمایشگاه و سایر شهرهای مطرح افغانستان همچون: هرات، مزارشریف و جلال‌آباد برای آشنایی دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های این شهرها با توانمندیهای کشورمان.
- ۸- دعوت رسمی از اساتید به نام کابل جهت حضور در نمایشگاه و پر کردن پرسشنامه‌های تهیه شده در خصوص پتانسیل بازار و فرصت‌های افغانستان.

۹- دعوت از استارت‌آپ‌های افغانی و حمایت از آنان و جذب مشارکتهای مالی و انجام شراکت و انعقاد قرارداد جهت

اجرای پروژه‌های آنان با استارت‌آپ‌های برگزیده کشور.

۱۰- اعطای جوایز و هدایا به ایده‌های برتر استارت‌آپی در افغانستان و تجلیل، حمایت و ارائه خدمات به آنان.

۱۱- دعوت از مسئولین ذیربط جهت حضور در نمایشگاه در روزهای برگزاری.

۱۲- چاپ کاتالوگ و استندهای با کیفیت و تشکیل جهت تبلیغ در بیلبوردهای تبلیغاتی شهر کابل.

۱۳- ارائه خدمات قانونی ثبت شرکت و مشاوره با وکلای قانونی افغانستان جهت ارائه مشاوره آشنایی با قوانین و

مقررات کشور افغانستان و چگونگی استفاده از ظرفیت‌های قانونی کار و فعالیت در افغانستان.

۱۴- بازدید از مراکز تاریخی افغانستان شامل (مزار شریف، بامیان، هرات و... جهت آشنایی دقیق شرکت کنندگان

در نمایشگاه با آداب، رسوم و فرهنگ مصرف مردم عادی و نژادهای افغانستان جهت در نظر گرفتن این موارد

در حین بازاریابی، CRM و مشتری مداری.

۱۵- ثبت شرکتی با مشارکت یکی از معتمدین مورد وثوق افغانی در کابل جهت پیگیری قراردادها و مذاکرات

انجام شده در نمایشگاه با پیگیری و حضور مستمر و گسترده بگونه‌ای که بتوانیم کم کم وارد بازار ICT

افغانستان شویم. طبیعتاً این نمایشگاه فعلاً یک شروع ابتدایی است و لازم است که انتظارات از نتیجه آن با

واقعیات بازار و توانمندیهای ما و مشتریان و بازار افغانستان مطابقت داشته باشد، لیکن آنچه مهم است پیگیری و حضور مستمر در بازار و رصد فرصتها است که این ممکن نمی شود مگر با حضور فیزیکی و تاثیرگذار در بازار این کشور. بدیهی است دفتر این شرکت در منطقه ای از شهر کابل که شرکتهای مطرح خارجی در آنجا حضور دارند با حداقل سه نفر پرسنل افغانی و یک نفر مدیر ایرانی بسیار مثمر ثمر خواهد بود. لازم به ذکر است که با توجه به وضعیت تحریمها، ضرورت ثبت یک و یا چند شرکت در افغانستان و با مشارکت کارمندان افغانی برای دور زدن تحریم ها بسیار ضروری است.

همچنین باستحضار میرساند که ریاست دانشگاه کابل، جناب آقای دکتر اسعدی از آشنایان هستند که وقتی موضوع را با ایشان در میان گذاشتم استقبال خوبی کردند و اعلام نمودند که ما بعلت اینکه از مسئولین مختلف افغانستان دانشجویان فراوانی داشته ایم، می توانیم در این خصوص کمک فراوانی بکنیم. لذا پیشنهادات می شود برای جذب شرکت کنندگان، از گروههای مختلفی به شرح ذیل برای حضور در نمایشگاه کابل دعوت گردد:

۱- کلیه شرکتهای تولید کننده نرم افزارهای اتوماسیون اداری، مدیریت مالی و حسابداری.

۲- کلیه تولیدکنندگان اپهای مختلف کاربردی.

۳- تولیدکنندگان محتوای سینمایی و هنری برای همکاری با تلویزیونهای افغانستان.

- ۴- گروه‌های متخصص شبکه و ارتباطات و نیز سرویس دهندگان صوت و تصویر.
- ۵- طراحان بانکهای اطلاعاتی و مدیریت داده‌های حجیم (Big-Data).
- ۶- ارائه دهندگان خدمات آموزش تخصصی حوزه ICT.
- ۷- تولید کنندگان آپ‌های حوزه سلامت در رابطه با آموزش مبارزه با بیماری‌های واگیر و خطرناک.
- ۸- آپ‌های حمایت از تحکیم بنیاد خانواده ، خصوصاً آموزش و آگاه‌سازی زنان و کودکان.
- ۹- ایجادکنندگان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای حوزه ICT.
- ۱۰- تولید کنندگان ابزار و نرم‌افزارهای مرتبط با معلولین و آسیب‌های اجتماعی ناشی از جنگ و...
- ۱۱- آموزش شیوه‌های نوین بازاریابی و همکاری در فروش محصولات و خدمات ایرانی در بازار افغانستان و مدیریت سفارشات و قراردادهای منعقد.
- ۱۲- بازاریابی کالاهای مورد تقاضای شرکتهای ایرانی مایل به فعالیت در بازار افغانستان
- ۱۳- ایجاد خط واردات کالاها و تجهیزات تحریمی حوزه ICT به ایران با کمک تجار افغانی از طریق جلب اعتماد و مشارکت فعال ایشان با رعایت اصل برد-برد برای طرفین ذینفع.